

تخصصی
موضوعات بین رشته‌ای مرتبط با بازار سرمایه



کالبدشناسی نظام جهانی قیمت گذاری نفت خام



مبین
کارگزاری مبین سرمایه



بسام فتوح

مترجم: محمدعلی محمدی



کالبدشناسی نظام جهانی
قیمت‌گذاری نفت خام

بسام نتوج

مترجم:

محمدعلی محمدی

فهرست

۱	سخن‌ناشر
۳	مقدمه مترجم
۵	متن کارگزاری مبیر سه‌بایه
۷	خلاصه گزارش
۱۹	۱. مقدمه
۲۵	۲. پیشینه تاریخی نظام قیمت‌گذاری نفت
۲۵	دوران قیمت اعلام‌شده
۲۷	نظام قیمت‌گذاری ترک‌خورد اما نشکست
۲۹	ظهور نظام قیمتی کنترل‌شده توسط اوپک
۳۰	تثبیت نظام قیمت‌گذاری کنترل‌شده اوپک
۳۳	پیدایش بازار نفت خام
۳۵	فروریختن نظام قیمت‌گذاری کنترل‌شده اوپک
۳۹	۳. نظام قیمت‌گذاری بازار محور نفت و قیمت‌گذاری فرمولی

ب □ کالبدشناسی نظام جهانی قیمت‌گذاری نفت خام

- بازار نقدی قراردادهای بلندمدت و قیمت‌گذاری فرمولی ۴۰
- بنچمارک‌ها در قیمت‌گذاری فرمولی ۴۸
۴. مؤسسات ارزیابی قیمت نفت و روند کشف قیمت آن ۵۷
۵. بازار برنت و لایه‌های آن ۶۹
۶. فیزیکی نفت دریای شمال ۷۱
- لایه‌ها و ابزارهای مالی بازار برنت ۷۵
- مسئله داده‌ها ۷۶
- فوروارد (پیمان‌ات) برنت ۷۷
- قراردادهای آتی برنت ۸۳
- تحویل فیزیکی ۸۵
- برنت مدت‌دار BFOE ۸۶
- قراردادهای مابه‌التفاوت (CFD) ۸۸
- قراردادهای مشتقه خارج از بورس ۹۱
- تشریح CFD با یک مثال ۹۲
- فرایند شناسایی قیمت در بازار برنت ۹۵
۶. بنچمارک‌های آمریکا ۹۹
- مبنای فیزیکی بنچمارک‌های آمریکا ۱۰۰
- لایه‌ها و ابزارهای مالی WTI ۱۰۴

فرایند کشف قیمت در بازار آمریکا	۱۰۷
آیا WTI بنچمارک مشکل داری است؟	۱۱۱
۷. بازار دبی - عمان	۱۱۵
مبنای فیزیکی دبی و عمان	۱۱۷
لایه مالی دبی	۱۱۹
فرایند کشف قیمت در بازار نفت دبی	۱۲۲
عمان و لایه های مالی آن؛ بنچمارک جدید در حال ظهور؟	۱۲۸
۸. ارزیابی و ارزش گذاری	۱۳۳
نقدشوندگی بازارهای ریگر	۱۳۳
تغییرات در حرکت تقاضای دبی نفت و بنچمارک ها	۱۳۶
ماهیت فعالان و فرایند شکل گیری قیمت نفت	۱۴۰
ارتباط بین بنچمارک های فیزیکی و مالی و لایه های آن	۱۴۱
تعدیل ها در مابه التفاوت قیمت در برابر سطوح مختلف	۱۴۳
شفافیت و دقت اطلاعات	۱۴۶
۹. نتیجه گیری	۱۴۹
منابع	۱۵۵
نمایه	۱۵۹

مقدمه^۱ ترجمه

در میان تحلیل‌های قیمتی و نقش عوامل مؤثر بر شکل‌گیری قیمت نفت کتاب‌های مختلفی وجود دارد و در این زمینه، کتاب‌های بسیار مفیدی به زبان فارسی، تألیف و ترجمه شده است اما از نظر سه‌روکار قیمت‌گذاری نفت خام و لایه‌های مالی و فیزیکی حول یک بنچمارک مانند نفت برنت یا WTI، اطلاعات منسجمی به زبان فارسی در دست نبود. بنا به مسئولیتی که از ابتدای حوزه معاملات فرآورده‌های نفتی بورس انرژی داشتم این سؤال در ذهن من نقش بسته بود که سازوکار قیمت‌گذاری و بازار جهانی نفت خام، دارای چه ساختاری است؟ بورس‌ها، نفت در دنیا چگونه شکل گرفته‌اند؟ تا این که کتاب حاضر را که نوشته بسام فتوح است مطالعه نمودم و پاسخ بسیاری از سؤالات خود را در این کتاب یافتم لذا برآن شدم تا این کتاب مفید را ترجمه کنم و در اختیار دیگر علاقه‌مندان هم قرار دهم.

این کتاب با بیانی ساده و کاربردی نظام قیمت‌گذاری نفت خام و لایه‌های تشریح و از جنبه‌های مختلف نحوه کشف قیمت نفت را بیان کرده است، و رنگ و بوم و اساسی دیگر کتاب رویکردی است که نویسنده کتاب به نحوه شکل‌گیری و "مات سر برآوردن یک بنچمارک در بازار نفت داشته است. برای مثال، فرآیند کشف قیمت در بازار نفت برنت چگونه است و لایه‌های مالی و فیزیکی بورس‌های نفت چگونه به یکدیگر ارتباط دارند؟ به دیگر سخن، تجربیات دیگر بورس‌ها و به شکل کلی‌تر،

۱. دکتر بسام فتوح مدیر برنامه نفت خاورمیانه در مؤسسه مطالعات انرژی آکسفورد، پژوهشگر کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد و استاد امور مالی و مدیریت در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقا در دانشگاه لندن است.

این که نظام قیمت‌گذاری نفت خام در دنیا چه فرآیندی را طی کرده است و این تجربیات چگونه می‌تواند در به ثمر نشستن تلاش‌های انجام‌گرفته در بورس انرژی برای معاملات نفت خام، یاری‌کننده باشد. از آنجاکه بورس انرژی ایران در حال راه‌اندازی معاملات نفت خام است، توجه به الزامات تبدیل‌شدن به یک بنچمارک بین‌المللی از ضرورت‌هاست. با توجه به موضوعاتی که در کتاب به آن پرداخته‌شده کتاب حاضر می‌تواند مورد استفاده دانشجویان، سیاست‌گذاران حوزه نفت و رزقه آنان به بازارهای جهانی نفت قرار گیرد.

در ترجمه کتاب تلاش بر آن بود که ترجمه‌ای روان و تا حد امکان نزدیک به زبان مقصد ارائه شود. در اینجا لازم می‌دانم چند نکته درباره اصطلاحاتی که در متن کتاب به کار برده شده عرض کنم. یکم؛ ترجمه واژه «بنچمارک» است که به نظر بنده و با مشورت صاحب‌دانش، معادل «معیار»، «شاخص» یا «مرجع» معادل دل‌چسبی برای این واژه نبودند لذا خود واژه «بنچمارک» را به کار بردیم تا مفهوم بهتر منتقل شود. دوم؛ برخی از اختصارها مانند «قراردادهای مابه‌التفاوت» (CFD) یا «بازار مبادله آتی با فیزیکی» (EFP) و برخی دیگر اصطلاحات، برای حفظ اختصار و انسجام مطلب به همان شکل، استفاده شده‌اند.

در پایان، از همسر عزیزم برای حمایت‌ها و کوشش‌هایی که در طول ترجمه داشتند صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین از حمایت‌های پرازان و مشفقانه جناب آقای شریفی‌نیا مدیرعامل محترم شرکت کارگزاری مبین سرمایه‌گذاری تشکر را دارم و از جناب آقای سلیمانی مدیر محترم انتشارات بورس و همکاران و عزیزان ایشان بابت لطفی که به بنده داشتند سپاسگزارم. امیدوارم این کتاب برای علاقه‌مندان و خوانندگان مفید واقع شود.

و من الله التوفیق

محمدعلی محمدی

آذرماه ۱۳۹۷

۲. پیشینه تاریخی نظام قیمت گذاری نفت

پیدایش و تشکیل نظام کنونی قیمت گذاری نفت نمی تواند بدون توجه به نظام های پیشین درک شود. این نظام از واکنش به تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی، تغییرات در موازنه قدرت در سطح جهان و تغییرات اقتصادی و سیاسی که سرانجام منجر به تغییر ساختار بازار نفت و زنجیره تأمین آن شده حاصل شده است. این فصل، به تغییرات اساسی بازار نفت در طول سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۸ که به ظهور نظام فعلی قیمت گذاری نفت منجر شده است خواهد پرداخت.

دوران قیمت اعلام شده^۱ (Posted Price)

تا سال ۱۹۵۰ صنعت نفت در جهان خارج از آمریکا، کانادا، شوروی و چین، توسط قدرت بی چون و چرای شرکت های چند ملیتی نفتی بزرگ که به هفت خواهران^۲ یا شرکت های اصلی موسوم بودند اداره می شد. کشورهای صاحب ذخایر نفتی، در تولید یا قیمت گذاری نفت مشارکتی نداشتند و تنها به عنوان فروشنده امتیازهای نفتی عمل می کردند و این کشورها صرفاً از درآمدهای حاصل از فروش این امتیازها و مالیات بر درآمد شرکت های نفتی فعال در کشور خود بهره مند می شدند.

۱. قیمتی است که فروشنده یا خریدار به شکل قراردادی و توافق شده اعلام می کند تا نشان دهند آماده دریافت یا فروش مقدار مشخصی از نفت خام یا فرآورده های نفتی هستند. مترجم

2. Seven Sisters.

همه این شرکت‌های موسوم به هفت‌خواهران با ساختار یکپارچه عمودی^۱ فعالیت می‌کردند. بدین صورت که کنترل کلیه عملیات بالادستی (شامل اکتشاف، توسعه و تولید نفت)^۲ و در مقیاس کوچک‌تر در حوزه پایین‌دستی (شامل حمل‌ونقل، پالایش و بازاریابی) را در اختیار داشتند. در همان زمان، آن‌ها کنترل میزان عرضه نفت خام در بازار را از طریق مالکیت مشترک بر روی شرکت‌هایی که در کشورهای مختلف فعالیت می‌کردند در دست داشتند؛ این ارتباط‌های افقی - عمودی، شرکت‌های چندملیتی را قادر می‌ساخت که حجم عمده‌ای از صادرات نفت از کشورهای صادرکننده نفت را کنترل و از این‌که نفت روی دست فروشندگان بماند جلوگیری کنند. بنا براین سبب می‌شدند از فروش مازاد عرضه به خریداران مستقل جلوگیری شود (خودشان مازاد عرضه را مصرف می‌کردند) تا مازاد عرضه سبب کاهش قیمت نفت نشود. بدین ترتیب ریسک فروشندگان کاهش می‌یافت (پن‌رز، ۱۹۶۸).

نظام قیمت‌گذاری نفت که تا میانه‌های دهه ۷۰ میلادی با امتیازات نفتی دولت‌ها عجین شده بود حول مفهوم «قیمت اعلام‌شده» اداره می‌شد که از آن برای محاسبه میزان درآمد کشورهای میزبان استفاده شود. قیمت‌های نقدی و قیمت قراردادهای بلندمدت نمی‌توانست این نقش مالی را ایفا کند. ساختار بسته افقی - عمودی با ساختار مهندسی شده بازار نفت به این معنی بود که تجارت نفت تا حد زیادی یک مسئله درون شرکتی است که هیچ بازار آزادی نیز در بیرون و خارج از کنترل این شرکت‌ها وجود ندارد. این سبب شد که در آن زمان، بازار نقدی عقب‌افتاده و غیرکارایی وجود داشته باشد. قیمت‌های انتقالی^۳ که در معاملات بین شرکت‌های زیرمجموعه شرکت‌های بزرگ نفتی انجام می‌گرفت به هیچ عنوان شرایط بازار را منعکس نمی‌نمود بلکه صرفاً توسط شرکت‌های چندملیتی برای انتقال سود

1. vertically integrated.

۲. در سال ۱۹۵۰ این شرکت‌ها (هفت‌خواهران) تولید بیش از ۸۵ درصد نفت تولیدی خارج از کانادا، آمریکا، شوروی و چین را به عهده داشتند (دانيلسن ۱۹۸۲)

۳. Transfer prices عبارت است از تعیین قیمت مبادله‌ای برای یک کالا یا خدمت در مواقعی که واحدهای تجاری اقدام به مبادله در داخل یک شرکت می‌نمایند. این محصول می‌تواند محصول نهایی فروخته شده به مشتریان خارج از شرکت، یا محصولات واسطه‌ای باشد - م.

شرکت‌هایشان از کشورهای دارای درصدهای بالای مالیاتی به مناطق دارای معافیت‌ها و درصدهای پایین مالیاتی استفاده می‌شد. به این دلیل که برخی از شرکت‌ها همواره فروشنده و برخی هم همواره خریدار بودند، معاملات بین این شرکت‌های چندملیتی بر اساس قراردادهای بلندمدت شکل می‌گرفت. البته قیمت‌هایی که در این قراردادها ذکر شده بود هیچ‌گاه افشا نشد؛ چراکه شرکت‌های نفتی این اطلاعات را جزو اسرار تجاری خود می‌دانستند. کشورهای صادرکننده نفت نیز رغبتی به استفاده از قیمت قراردادی نداشتند چراکه معمولاً این قیمت‌ها پایین‌تر از قیمت «اعلام‌شده» بود.

بنابراین، محاسبه حق امتیاز و مالیات بر درآمدی که بابت هر بشکه نفت به کشور میزبان تعلق می‌گرفت می‌بایست بر اساس قیمت «اعلام‌شده» باشد. از آنجاکه این قیمت صرفاً یک عدد مالی بود لذا به نیروهای عرضه و تقاضای بازار واکنشی نشان نمی‌داد و بنابراین کارکرد تخصیص بهینه را هم نداشت (مابرو، ۱۹۸۴). شرکت‌های چندملیتی نفتی با نظام قیمت اعلام‌شده راحت بودند چراکه این نظام، موقعیت انحصار چندجانبه آن‌ها را حفظ می‌نمود. تا اواخر دهه ۶۰ میلادی، کشورهای عضو اوپک، ضعیف‌تر از آن بودند که بتوانند سیستم فعلی قیمت‌گذاری نفت را تغییر دهند.

نظام قیمت‌گذاری ترک خورد اما نشکست

در اواخر دهه ۱۹۵۰ قدرت انحصاری شرکت‌های نفتی چندملیتی توسط شرکت‌های نفتی مستقل به چالش کشیده شد. این شرکت‌های مستقل می‌توانستند بر روی عملیات بالادستی نفت سرمایه‌گذاری کنند و به نفت خام خارج از شرکت‌های موسوم به هفت خواهران دسترسی داشته باشند. ونزوئلا در اواسط دهه ۱۹۵۰ به شرکت‌های مستقل (بیشتر به شرکت‌های آمریکایی) تعدادی پروژه نفتی واگذار کرد به طوری که در سال ۱۹۶۵ شرکت‌های نه‌چندان مطرح نفتی حدود ۱۵ درصد تولید نفت ونزوئلا را بر عهده داشتند (پارا، ۲۰۰۴).^۱ اکتشاف نفت در لیبی، اهمیت شرکت‌های مستقل را در تولید نفت افزایش داد به طوری که لیبی این مسئله را به عنوان سیاستی برای جلب طیف

۱. گرچه این سهم از سال ۱۹۶۶ به بعد کاهش یافته است.

متنوع تری از شرکت ها علاوه بر آن شرکت های اصلی برای ترغیب به سرمایه گذاری در صنعت نفت خود دنبال کرد. در سال ۱۹۶۵، تولید شرکت های مستقل حدود ۵۸۰ هزار بشکه در روز بود که در سال ۱۹۶۸ به ۱٫۱ میلیون بشکه در روز رسید (پارا، ۲۰۰۴). بدین ترتیب، رقابت بین شرکت های مستقل، با هفت خواهران در کل دنیا پدیدار شد. ایران در اواخر دهه ۱۹۵۰ دو قرارداد اکتشاف و توسعه در حوزه فلات قاره خلیج فارس با شرکت های مستقل منعقد کرد. عربستان در سال ۱۹۵۱ توافقی با شرکت بازرگانی نفت ژاپن منعقد کرد تا به اکتشاف و توسعه میداین مناطق بی طرف فلات قاره عربستان (بین عربستان و کویت) پردازد.^۱ نفت خام از شوروی سابق رفته رفته راه خود را به بازار باز کرد. اکتشاف و توسعه میداین عظیم نفتی بلوک شوروی و افزایش سریع صادرات روسیه از کمتر از ۱۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۵۶ به حدود ۷۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۶۱ رسید (پارا، ۲۰۰۴).

با وجود این که این فعالیت ها و دیگر طرح های توسعه به ظهور بازاری برای خرید و فروش نفت خارج از کنترل هفت خواهران منجر شد، حجم کلی نفت خام مستقل آمریکا و دیگر شرکت های مستقل فعال در ونزوئلا، لیبی و خلیج فارس هنوز اندک بود. به علاوه رشد تولید و صادرات نفت روسیه بعد از سال ۱۹۶۷ متوقف شد و سطح تولید آن در سال ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ کاهش یافت (پارا، ۲۰۰۴). این عوامل سبب کاهش حجم و عمق بازار تا اواخر سال ۱۹۶۰ شد. شرکت های تولیدکننده عمده هنوز هم کنترل بازار نفت را در هر دو حوزه بالادستی و پایین دستی نفت در دست داشتند (پن رز، ۱۹۶۸). با این حال، یکی از عوامل های تصمیم تولیدکنندگان عمده نفت به توقف نرخ گذاری به روش قیمت اعلام شده، فشارهای رقابتی از سوی دیگر تولیدکنندگان نفت بود. تصمیم آمریکا برای وضع مقررات تعیین حداقل خرید برای واردکنندگان نفت از آمریکا سبب افزایش رقابت برای فروش در خارج از آمریکا شد و این مسئله هم عامل دیگری بود تا فشار نزولی بر روی قیمت های نفت وارد کند. شکل گیری

۱. حجم نفت تولید شده این شرکت های مستقل تهدیدی جدی برای شرکت های اصلی (هفت خواهران) نبود، اما نتیجه این توافق ها موجب شد تا دولت های میزبان برای اعمال اصلاحات بیشتری در امتیازهای موجود خود اقدام کنند.

اوپک در سال ۱۹۶۰ تلاشی توسط کشورهای عضو آن بود تا از کاهش در قیمت اعلام‌شده جلوگیری کنند (اسکیت، ۱۹۸۸). بنابراین اوپک تقریباً در بیشتر دهه ۱۹۶۰ به عنوان یک اتحادیه تجاری با مأموریت جلوگیری از کاهش درآمدهای کشورهای عضو خود عمل می‌کرد.

ظهور نظام قیمتی کنترل‌شده توسط اوپک

بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۳، تقاضای جهانی برای نفت با آهنگ شتابانی افزایش پیدا کرد که این افزایش در طول این دوره به‌طور متوسط سالانه بیش از سه میلیون بشکه در روز بود (گزارش‌های آماری شرکت بی‌پی). عمده این افزایش تقاضا توسط اوپک که تولید خود را به شدت افزایش داده بود پاسخ داده می‌شد که از حدود ۱۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۶۵ به نزدیک ۳۰ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۳ رسید. در طول این مدت، سهم بازار اوپک از تولید نفت از ۴۴ درصد در ۱۹۶۵ به ۵۱ درصد در سال ۱۹۷۳ رسیده بود. دیگر تحولات در اوایل دهه هفتاد میلادی از قبیل کاهش تولید نفت لیبی و عملیات خرابکارانه در خط لوله عربستان^۱ در سوریه، تعادل عرضه و تقاضا را بیشتر به هم ریخت.

این شرایط بازار سبب شد فروشندگان، قدرت بیشتری پیدا کنند و به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای قدرت دولت‌های اوپک نسبت به شرکت‌های چندملیتی نفتی افزایش یافت. دولت لیبی در سپتامبر ۱۹۷۰ با شرکت اکسیدنتال به توافقی دست‌یافت بدین‌صورت که این شرکت مستقل نفتی موافقت نمود تا نسبت به پرداخت مالیات بر درآمد بر اساس افزایش قیمت اعلام‌شده اقدام نماید و برای جبران کاهش‌های درآمدی لیبی از سال ۱۹۶۵ مبالغی را پرداخت کند. اکسیدنتال یک شرکت بسیار مناسب برای اعمال فشار بود؛ چراکه برخلاف آن چند شرکت اصلی، اکسیدنتال، سرمایه‌گذاری وسیعی را در تولید نفت لیبی انجام داده بود و دسترسی زیادی به نفت در دیگر کشورهای تولیدکننده نداشت. به سرعت، دیگر شرکت‌های فعال در لیبی نیز مجبور به پذیرش این شرایط شدند. در نتیجه این توافق‌ها، سایر کشورهای تولیدکننده نفت هم با

1. Tapline (Trans-Arabian Pipeline).

الهام از مدل مطلوب لیبی اعلام داشتند که آن‌ها هیچ پیشنهادی کمتر از آنچه لیبی در قراردادهای خود آورده است نخواهند پذیرفت. مذاکرات تهران منجر به تصمیم مشترک برای افزایش قیمت اعلام‌شده و نرخ مالیات شد.

اوپک در سپتامبر ۱۹۷۳ تصمیم گرفت مجدداً مذاکرات با شرکت‌ها را برای بازنگری در توافق تهران از سرگیرد و به دنبال افزایش چشمگیری در قیمت اعلام شده بود. شرکت‌های نفتی، تقاضای اوپک را برای این افزایش رد کردند و مذاکرات به شکست انجامید. در نتیجه در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۳ شش عضو اوپک حاشیه خلیج فارس به‌طور یک‌جانبه با اعلام افزایش فوری قیمت اعلام‌شده، قیمت نفت سبک عربی را از ۳٫۶۵ دلار به ۵٫۱۹ دلار افزایش دادند. در ۱۹ اکتبر ۱۹۷۳ کشورهای عضو سازمان تولیدکنندگان نفت عربی (منهای عراق) اعلام کردند در ماه سپتامبر ۵ درصد تولید نفت خود را کاهش داده‌اند و در ماه‌های آتی هم به همین ترتیب هرماه ۵ درصد کاهش تولید خواهند داشت تا زمانی که نیروهای اسرائیلی از کل سرزمین‌های عربی که در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شده بود خارج شوند و حقوق قانونی و مشروع فلسطینیان احقاق شود. اوپک در دسامبر ۱۹۷۳ قیمت اعلام‌شده نفت سبک عربی را به ۱۱٫۶۵۱ دلار افزایش داد. این افزایش قیمت تا به آن روز سابقه نداشت. از آن مهم‌تر سال ۱۹۷۳ تغییر چشمگیر موازنه قدرت به نفع نفت را به نمایش گذاشت. برای نخستین بار در تاریخ، اوپک نقش یک‌جانبه‌ای را در تعیین قیمت نفت به عهده گرفت (ترزین، ۱۹۸۵). درحالی‌که تا پیش از آن اوپک تنها می‌توانست از کاهش قیمت توسط شرکت‌های نفتی جلوگیری کند.

تثبیت نظام قیمت‌گذاری کنترل شده اوپک

صنعت نفت در اوایل دهه ۷۰ میلادی شاهد یک تغییر اساسی بود. زمانی که برخی از دولت‌های عضو اوپک اعطای امتیازهای نفتی را متوقف و شروع به طرح دعاوی مختلف جهت مشارکت در تولید با شرکت‌های طرف قرارداد و لغو امتیازهای آن زمان

خود، به شرکت‌های بزرگ تولیدکننده کردند.^۱ با این‌که تعداد اندکی از آنان صنعت نفت خود را به‌طور کامل ملی نموده بود؛^۲ تقاضا برای مشارکت در تولید از اوایل دهه شصت میلادی شروع شد. اما شرکت‌های چندملیتی نفت به این درخواست‌ها توجهی نکردند. نگرانی آن‌ها در اواخر دهه ۱۹۶۰ زمانی بیشتر شد که دیدند حتی کشورهای میانه‌رو و معتدلی نظیر عربستان سعودی نیز شروع به اعمال فشار برای بستن قراردادهای مشارکت در تولید کرده‌اند. شش کشور عضو اوپک حاشیه خلیج فارس (امارات، ایران، عراق، عربستان، قطر و کویت) توافق کردند تا با شرکت‌های نفتی در زمینه قراردادهای مشارکتی مذاکره کنند و به اتفاق، وزیر نفت سعودی زکی یمانی را به‌عنوان نماینده در مذاکرات انتخاب نمودند. در اکتبر ۱۹۷۲ بعد از چند دور مذاکره، شرکت‌های نفتی با مشارکت اولیه ۲۵ درصدی موافقت کردند که در سال ۱۹۸۳ میزان مشارکت به ۵۱ درصد می‌رسید. از این شش کشور حاشیه خلیج فارس عربستان، امارات و بعدها قطر موافقت‌نامه جدید مشارکت عمومی را امضا نمودند ایران در سال ۱۹۷۲ خروج خود را از این توافق اعلام نمود. عراق در سال ۱۹۷۲ برای ملی شدن نفت خود تلاش می‌کرد. در کویت، مجلس شدیداً با این توافق مخالفت کرد و در سال ۱۹۷۴، دولت کویت ۶۰ درصد سهام شرکت نفت کویت را خرید و خواستار ۱۰۰ درصد سهام این شرکت تا سال ۱۹۸۰ شد. در سال ۱۹۷۶، دولت کویت همه ۱۰۰ درصد سهام شرکت نفت کویت را به مالکیت خود درآورد و قطر هم در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۷ به دنبال آن بود.

-
۱. در اوایل سال ۱۹۵۷، مصر و ایران شروع به عقب‌نشینی از اعطای امتیاز به شکل‌های قبل کردند و طرح‌های جدید قراردادی مانند طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک و قراردادهای خدماتی را در دستور کار قرار دادند. در سال ۱۹۶۴، عراق تصمیم گرفت که هیچ امتیاز جدیدی برای بهره‌برداری به سیاق قبل ندهد. (ترزیان، ۱۹۸۵)
 ۲. ملی شدن نفت در خاورمیانه بسیار پیش از آن تاریخ گسترش یافته است. به غیر از تلاش مصدق برای ملی شدن نفت ایران در سال ۱۹۵۱، در سال ۱۹۵۶ مصر سهم شرکت شیل را در مصر ملی اعلام کرد. در سال ۱۹۵۸م سوریه میدان‌های نفتی کراچیچ را ملی کرد و در سال ۱۹۶۳ کل بخش نفت تحت کنترل دولت قرار گرفت. در سال ۱۹۶۷ ملی شدن شرکت‌های نفتی شروع و تا سال ۱۹۷۰ تمام امتیازات نفتی غیر فرانسوی ملی شده بود. در سال ۱۹۷۱ سهام شرکت‌های فرانسوی ملی شدند به طوری که دولت ۵۱ درصد از سهام شرکت‌های فرانسوی را در اختیار گرفت (ترزیان، ۱۹۸۵)

مشارکت در تولید، به کشورهای عضو اوپک سهمی از تولید نفت را داد که می‌توانستند آن را به خریداران ثالث بفروشند. این کار به معرفی یک مفهوم جدید در قیمت‌گذاری منجر شد (مابرو، ۱۹۸۴). در این قیمت‌گذاری، مالکان نفت خام (دولت‌ها) می‌بایست یک قیمت برای خریداران ثالث تعیین کنند. مفهوم قیمت رسمی فروش^۱ و قیمت فروش دولتی^۲ در این مقطع معرفی شد که هنوز هم توسط برخی صادرکنندگان نفت، این نوع قیمت‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال به جهت راحتی و همچنین نبود تجربه بازاریابی و عدم توانایی کشورهای واردکننده نفت در ادغام به پایین در حوزه پالایش و بازاریابی، عمده سهم نفت کشورهای تولیدکننده نفت مجدداً به شرکت‌های صاحب امتیازی فروخته می‌شد که از ابتدا نفت خام را در آن کشور تولید می‌کردند. این فروش‌ها به صورت اجباری به عنوان بخشی از قرارداد مشارکت به قیمت‌های بیع متقابل^۳ انجام می‌شد.

نظام پیچیده قیمت‌گذاری نفت در اوایل دهه ۱۹۷۰ حول سه مفهوم متفاوت قیمت، متمرکز شده بود. قیمت اعلام‌شده، قیمت رسمی فروش و قیمت بیع متقابل. چنین نظامی بسیار ناکارآمد بود چراکه بر اساس آن یک خریدار می‌توانست یک بشکه نفت را در قیمت‌های مختلف خریداری نماید (مابرو، ۲۰۰۵). کمبود اطلاعات و شفافیت، همچنین به این معنی بود که هیچ سازوکار تعدیل‌کننده‌ای برای اطمینان از همگرایی قیمت‌ها وجود ندارد. بنابر این، این رژیم قیمتی عمر کوتاهی داشت و در سال ۱۹۷۵ دیگر اثری از آن نبود.

رژیم قیمت‌گذاری نفتی کنترل شده که در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۵ پس از دوره کوتاه مدت نظام بیع متقابل^۴ به وجود آمد، در بسیاری از جنبه‌ها افراطی بود، به ویژه که این امر نشان دهنده تغییر کامل در قدرت تنظیم قیمت نفت از شرکت‌های چندملیتی به اوپک بود. این نظام بر پایه مفهوم قیمت مرجع^۵ یا قیمت شاخص، پیریزی شده بود و نفت خام سبک عربستان به عنوان نفت شاخص انتخاب شد. در

-
1. OSP (Official Selling Price).
 2. GSP (Government Selling Price).
 3. Buyback.
 4. Buyback.
 5. Marker Price.

An Anatomy of the Crude Oil Pricing System

Bassam Fattouh

Translator:

M. Ali Mohammadi

این کتاب، با بیانی ساده و کاربردی، نظام قیمت‌گذاری نفت را لایه لایه تشریح و از جنبه‌های مختلف نحوه کشف قیمت نفت را بیان کرده است. ویژگی مهم و اساسی دیگر کتاب، رویکردی است که نویسنده به نحوه شکل‌گیری و الزامات سربرآوردن یک بنچمارک در بازار نفت داشته است. این کتاب، لایه‌های مالی و فیزیکی بنچمارک‌های اصلی نفت خام (برنت، وست تگزاس اینترمیدیت و دبی - عمان) را به صورت مفصل تشریح کرده و نقش مؤسسات ارزیابی قیمت مانند آرگوس و پلتس را در نظام قیمت‌گذاری نفت خام مورد بررسی قرار داده است. با توجه به موضوعاتی که به آن پرداخته شده، کتاب حاضر می‌تواند مورد استفاده دانشجویان، سیاست‌گذاران حوزه نفت و علاقه‌مندان به بازارهای جهانی نفت قرار گیرد.



ISBN 978-600-7872-84-0



9 786007 872840